

بررسی تاریخ هنر فاشی

ایران

بمعلم

کیونک ضومر

مسلمانان در سده اول هجری
بآسانی بر تمام فلات ایران دست
یافتند اینکه چیرگی آنان
چرا و چگونه بآسانی انجام
یافت از سخن ما دور است . اما
میدانیم که نیروی اندیشه پیشرو
و تازه رسیده مسلمانان در خون
همه ایرانیان بویژه هنرمندان
گرمائی و جنبشی نو پدید آورد.
در زمانی کوتاه بسی سرود ساخته
شد و نگاره پرداخته گردید؛
هنرمند ایرانی دست بکار آفرینش
شد؛ و آفریده های او در چشم
فرمانروایان نشست؛ تا آنجا که
سنت های دینی خویش را ندیده
گرفتند و دست اندر کار پذیرائی
از هنرمندان و بکار گرفتن آنان
بسود و دلخواه خویش شدند .

در کاخهای اموی سوریه و فلسطین نگاره های دیواری چندی پیدا شده است که همه بدست هنرمندان ایرانی نگاشته شده اند. این نگاره ها همانندی بسیاری با نگاشته های دوران ساسانیان - بویژه آنهایی که از کاخهای بیشاپور بدست آمده است - دارند .

در این دوران مسلمانان و نامسلمانان شهرهای ایران در کنار هم با آزادی میزیستند^۱ و در این میان هنرمندان بازاری گرم در میان هر دو گروه داشتند. ترانه ها و سرودها و نگاره ها آفریدند - که در آنها با الله و رسول و خلیفه چندان کاری نبود بلکه بگذشته میهن خود پرداخته بودند . و این به فرمانروایان عرب کران میامد . یورش علیه میهن دوستان آغاز شد و پیش از همه درست همزمان با جنبش « ایکونو کلاسم » بیزانس در میان مسلمانان نیز ساختن تندیسها و پرداختن پرده ها « تحریم » گردید .

هنرمندان این زمان بدرون خود پناه بردند و در دنیای درون خویش به نو آفرینی بهشت گمشده خویش دست زدند، هنری پر از ابهام و اشاره پدید آمد. نوشته های دیواری آرایش یافت. نویسه نازیبا کوفی آذین گرفت و بردیوارهای سخت و یکنواخت نگاره های « سمبلیک » نگاشته شد.

پس از سده دوم باردیگر آشوب بالا گرفت و در هر گوشه از دنیای تازه مسلمانان نغمه نو آغاز شد . ایران و ایرانی نیز از این هیاهو دور نماند . دهقانان و دبیران و هنرمندان ایرانی - که این بار نیز فریب خورده و به بهشت دلخواه نرسیده بودند - سرودها و نغمه ها و نگاره های آرمانخواهانه ساختند و پرداختند . سده چهارم سامانیان روی کار آمدند . اینان که خود را نبیرگان بهرام چوبینه میدانستند - همچون شاهنشاهان ساسانی کاخها بر آوردند و بردیوار این کاخها چهره های افسانه ای نگاشتند که دلبنده همه مردم ایرانی بود .

۱- بازمانده های این همزیستی مسالمت آمیز دنیای کهن را تا سده چهارم نیز میتوان دید . نگاه کنیه بنام شهرهای پر کدر - کابل - سمرقند - شیراز - کازرون - خوره - شکی و ... در کتاب حدود العالم چاپ دانشگاه

گرایش سامانیان بسوی هنرهای ملی ایران و کوششی که در پرورش هنرمندان بکار میبردند بسیاری از سالاران و سروران آندوران را نیز بدنبال کشید. سراهای مردم توانگر بآرایشهای دیواری آذین یافت. بدیوار یکی از این کاخها که باستانشناسان آنرا در خراسان از زیر خاک بیرون کشیده اند - سواری را با پوشاک وزین افزار سواران سامانی نشان میدهد. در این نگاره هنوز هم بازمانده پیشینه های هنری دوران ساسانی بچشم میخورد و گواه بر پابرجائی بخشی از سنتهای هنری دوره ساسانی است.

آرایش کتابها و نوشته ها در سده سوم و چهارم گسترش بسیار یافته بود. نمونه ای از این شاخه هنر نگارگری را مسعودی چنین نشان میدهد: «در شهر استخر از ایالت فارس در سنه ۳۰۳ نزد یکی از خاندانهای بزرگ ایرانی يك كتاب بسیار بزرگ و مهم و عظیم دیدم که شامل بسیاری از علوم و اخبار و تواریخ و ذکر عادات و آبادیها و کاخها و شرح سیاست و احوال پادشاهان ایران است. و نظیر آن در هیچیک از کتب پارسی مانند «خداینامه» یا «آئین نامه» یا «کهن نامه» ندیده بودم و نیز در آن کتاب ۲۷ تصویر از پادشاهان ساسانی که بیست و پنج نفر آنها مرد و دوزن بود دیدم».

همچنین در کتابهای تاریخ دوره سامانیان دیده میشود که: «نصر دوم پادشاه سامانی نقاشان چینی را برای مصور نمودن ترجمه فارسی کلیله و دمنه رود کی بدر بار خود دعوت نمود».

بدوره سامانیان ایران در خاور با چین هم مرز بود. کاروانهای بزرگ کالای چین را بایران میآورد و فرآورده های ایران را بچین میبرد. بهرام کالاهای چینی هنر آن سرزمین نیز جای والای خویش را از دیده چونی و چندی میان هنرمندان ایران باز مینمود^۳.

۲- (س ۲۲۸ کتاب یرتو اسلام نوشته احمد امین ترجمه عباس خلیلی)

۳- یکی همچو دیبای چینی منقش یکی همچو اردنگ مانی مصور
«فرخی سیستانی»

مصور بکار است مرجینیان را چو بشادایان را صناعات الوان
«ناصر خسرو»



طرحی از زنان خنیاگر نکاشته هده بردیوار کاخ اموی در سوریه .
این نگاره‌ها باچهره خنیاگران کاخ شاپور در نیشابور که اینک
در موزه ایران باستان نگهداری میشوند شباهت بسیار دارند .

کرایشی که بزرگان و سالاران ایرانی بسوی هنر چین داشتند هنرمند ایرانی را امید داشت که همانند و برتر از فرآورده های هنری چین را بیافرینند. شوند^۱ دیگری که به گسترش آئین های هنری چین در ایران کمک کرد چگونگی پرورش اندیشه ها و نمایش آرزوها و آرمانهای آرامش خواهانه بود. هنرمند ایرانی در پس پرده های چینی و ش بهتر میتوانست با آرزوهای گمشده خویش سرگرم باشد. آرامش نماها و رنگها و آسمان و درختان و نمایش ابرها و خیزابه های^۲ خیال انگیز پرده های چینی هنوز هم بیننده را از این جهان پریاهو دور میکند و آرامش میبخشد.

گذشته از ورود کالا و در چشم آمدن نگاره های آنهارفت و آمد جهانگردان و نمایندگان شاهان سامانی و غزنوی و دولت قره خانی آسیای میانه به گسترش چونی های هنر نگارگری چین در ایران زمین کمک بسیار کرده است. هنر نگارش ایران علاوه بر هنر چین از چشمه جوشان هنر بودائی نیز آبها خورده است. معابد بودائی بلخ و بامیان بسا هزاران غارنقش خود و هه چنین صدها استوپا^۳ که از هند شمالی تا شمال خاوری ایران آن زمان برپا بوده همیشه چشم هنرمندان ایرانی را خیره میکرد.

نگاه هنرمندان بسوی نگاره ها و آذین ها و هنر ساختمان و چشم سالاران و زورمندان بسوی گنجینه های سرشار درون این معابد بود.

همانندیهای بسیاری که در هنر نگارگری ایران سده های چهارم و پنجم با هنرمند دیده میشود از همین چشم اندازها و دستبردها سرچشمه میگیرد. در ادبیات دوره غزنوی شاعران شکفتی خود و هنرمندان را از دیدن شهرها و معابد هند خوب نشان داده اند. فرخی سیستانی در قصیده ای میگوید:

چه شهر شهر برون و اندرون سرای سرای

چه کاخ کاخ برون و اندرون نگار نگار

سرایهای چو ارتنگ مسانوی بر نقش

بهارهای چو دیبای خسروی به نگار

۱- شوند = سبب - دلیل - ۲ خیزابه = موج - ۳ استوپا = معبد بوداییان

ثروت سرشاری که محمود غزنوی از هند شمالی بایران خاوری آورد و خراجی که از مردم ایران میگرفت سالها زندگی را بر او و فرزندانش خوش و شادمان نمود. اطرافیان نیز از این خوان برخوردار شدند. بسیاری دست اندر کار ساختمان کاخهای بلند و باغهای بهشت آسا شدند و شاعران و چکامه سرایان و صفا نامه ها سرودند :

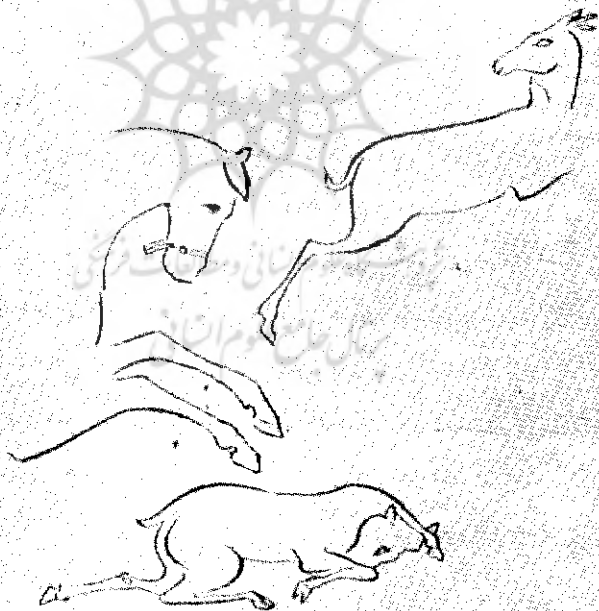
فرخی سیستانی در توصیف باغ و کاخ سلطان محمود گوید
 بیباغی درختان او عود و صندل بیباغی ریساحین او بسد تر
 یکی کاخ شاهانه اندر میانش سرکنگره بر کنار دو پیکر
 و در مدح کاخ ابویعقوب شاهزاده غزنوی
 چگونه کاخی چه گوشه حرمین زیبای تاسر چون مصحف نوشته بزر
 و منوچهری دامغانی در وصف کاخ امیری گوید :

این قصر خجسته که بنا کرده ای امسال
 بسا غرغه فردوس بفردوس قرینست
 همچون حرمش طالع سعد است و مبارک
 همچون ارمش نقش مهنا و گزینست
 چون ابروی معشوقان باطاق و رواقست
 چون روی پربرویان با رنگ و نکارست
 و طیان بمی کرمانی در وصف کاخی گوید :

از تماتیل تو نقاش طبیعت منفعل وز تصاویر تو گردون و ثوابت بانفیر
 وصف این کوشکها و سراپها و نگارخانه ها را در دیگر کتابها نیز همچون
 مرزبان نامه و تاریخ بیهقی و میتوان دید . به توصیفی که در مرزبان
 نامه از اینگونه سراپها آمده است توجه کنید .
 «... بقصری رسید که شرح تماتیل و تصاویر آن در زبان قلم نکنجد و اگر
 مانی بنگارخانه او رسد از رشك انکشت را قلم کند »
 « مرا سراهای خوش و خرمست با صد هزار آئین و تزئین چون
 نگارخانه چین آراسته ^۱ »

۱- مرزبان نامه تصحیح علامه قزوینی و تقوی ص ۳۷ - ۳۹

در تاریخ بیهقی نیز اشاره‌های جالبی وجود دارد که در جای خود به نقل آنها خواهیم پرداخت .
 دیدیم که غزنویان کاخها و سراپها و نگارخانه‌های زیبا و دلپذیر بر پا کرده بودند ولی اینرا هم بدانیم که هنوز چند دهه‌ای نگذشته بود که این‌خانها و کاخهای سر بلند و دلگشا دست فرما نروایان تازه رسیده کوبیده شد و شکفت نیست اگر امروزه کلنگ باستانشناسان نتواند اثری از نگارهای دیواری آن دوران را از زیر خاک بیرون آورد . این خرابیها در ادبیات همان دوران نیز ثبت شده است . چنانکه چهارمقاله عروضی «مجمع النوادر»، خود بهترین گواه است .



گوشای از نگاره‌های دیواری کاخ اموی در سوریه

«... و این پادشاهان ماضیه ... بسا کوشکهای منقش و باغهای دلکش که بنا کردند و بیاراستند که امروز با زمین هموار گشته است و ...
 بسا کاخا که محمودش بنا کرد که از رفعت همی با مه کرا کرد
 نبینی زان همه یک خشت بر پای °

«... و خداوند ابوعلی الحسین بن الحسین اختیار شهر غزنین را غارت فرمود و عمارات محمودی و مسعودی و ابراهیمی را خراب کرد.»^۶

پس از غزنویان ترکان سلجوقی - که از سدهٔ پیش خواب سراسر و ثروتهای خراسان را میدیدند - در این سرزمین فرمانروا شدند. اینان که قومی بیابانگرد بودند و از خود هنر ارزنده‌ای نداشتند؛ چون بر شهرهای خراسان و بازماندهٔ کاخهای غزنوی دست یافتند آنها را بالاتر از چشمداشت خویش زیبا و والا یافتند. ولی خوی بیابانگیری در ایشان هنوز زنده بود و چنانکه عروضی در مجمع النوادر گوید :

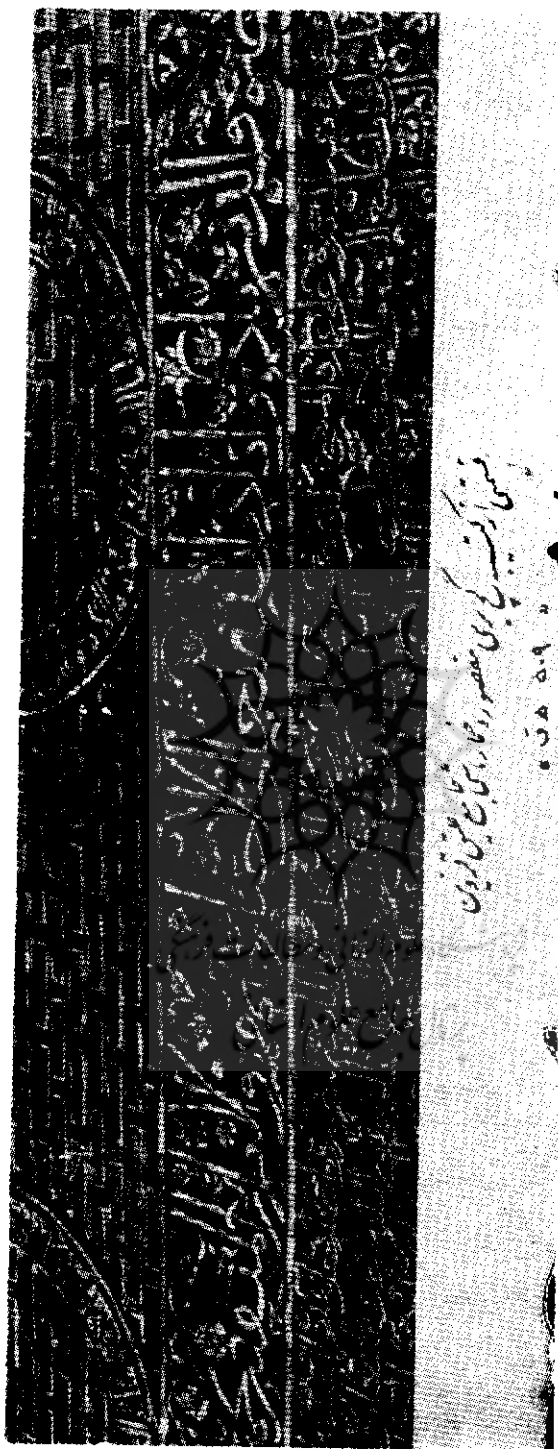
«... و بعد از او سلجوقیان آمدند و ایشان مردمان بیابان نشین بودند و از مجاری احوال و معالی آثار ملوک بی خبر . بیشتر از رسوم پادشاهی بروز کار ایشان مندرس شد و بسی از ضروریات ملک منطمس گشت و ...»^۷
 چندی از چیرگی سلجوقیان نگذشت که روان ایرانی بر اینان نیز سایه گسترده . شاهان و سروران سلجوقی و خاندانهایشان یا در جای پای گذشتگان نهادند و همچون آنان به ساختن و پرداختن کاخها دست یازیدند .

این بار هنرمندان ایران آرامش و زمان بیشتری داشتند. و هر چه توانستند در دیرپا کردن و آذین کوشکها و مزکنها و خانها کوشیدند . بسیاری از این ساختمانها تا امروز نیز برپا ایستاده اند ، باشد که بدست جویندگان ایرانی تاریخ هنر میهن ما از نو بررسی شوند تا بر گهای درخشان دیگری بر دفتر هنر ایران پرافتخار افزوده گردد .

۵ - س ۴۱ مردبان نامه تصحیح محمد قزوینی چاپ جیبی

۶ - س ۴۱ همان کتاب .

۷ - س ۳۵ چهار مقاله چاپ جیبی .



فہرست کتب و نسخہ و کتابت جامعہ اسلامیہ

۵۹

بدوره سلجوقیان و پس از آنها خوارزمشاهیان - ساختن و پرداختن خانه‌ها رواج بسیار یافت و چون ثروت‌های بادآورده بآ خر رسیده بود، بیش از پیش مردم را بزیر فشار انداختند. دهقانان را به بی‌کاری می‌گرفتند و به خشت‌زنی و آجرپزی و امید داشتند. مردم ایران در زیر بار خراجها و مالیاتها رنج میکشیدند، و خورد میشدند، کشتزارها خشک میشد و روستاها ویرانه و در مقابل کاخها و مسجدها و کورها سر بر آسمان میسائید.



شکار سواده از نگاره‌های ایرانی کاخ اموی در سوریه

شماره آثار باستانی ثبت شده مربوط بسده‌های پنج تا هفت در ایران و آسیای میانه و قفقاز تا کنون به ۲۰۰ رسیده است و اگر این آثار بازمانده صد يك آثار ساخته شده آندوران هم باشد باز سنجش نیروئی که برای ساختن آنها بکار گرفته شده شگفتی آوراست.

فشاریکه در سده‌های پنج تا هفت بمردم ایران وارد آمد و اکنشی سخت

بدنبال داشت . اسمعیلیان نیرو گرفتند،^۸ دانایان و سخن گویان بزبان آمدند
وما اینك چند سخنی را از شاعران این دوران یاد آور میشویم :
شد گل رویت چو کاه و تو بحر یصی راست همی کن نگارخانه و گلشن
«ناصر خسرو»

نام نیکوگر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنکار
«سعدی»

بعاقبت خبر آید که مرد ظالم مرد بسیم سوختگان زرنکار کرده سرای
«سعدی»

مال یتیمان ستمن کار نیست بگذر کین عادت احرار نیست
مسکن شهری ز تو ویرانه شد خرمن دهقان ز تو بیدانه شد
شرم در این طارم ازرق نماند آب در این خاک معلق نماند
«نظامی»

در آغاز سده هفتم غارت مردم بآن اندازه رسید که شیرازه شهرها و
دیه‌ها از هم گسیخت . توده مردم ناتوان و بی آرمان شدند . دستگاه فرمانروائی
در حال از هم پاشیدن بود . آخرین ضربه لازم برای این پاشیدگی رامغولان
کو بیدند . مساجد ستور گاه چپاولگران مغول شد، کتابخانه‌ها را سوزاندند
و سراهای زرنکار را بر سر خداوندان نشان ویران نمودند .

در این زمان بود که هنر نگارش و نگارگری دیواری رو بافول نهاد تا
بدوره بعد از مغول رسید .
در گفتارهای آینده به بررسی چونیهای هنر نگارش در دوره پیش از
مغول میپردازیم .

۸ - نگاه کنید بنامه حسن صباح بملکشاه در کتاب متون فارسی قرن پنجم